

دکتر جفری هادون، باستان‌شناسی کتاب مقدس جلسه ۱۴، سکونتگاه بنی اسرائیل در کتاب داوران

جفری هادون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر جفری هادون و آموزه‌های او در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس هستم. این جلسه ۱۴، اسکان بنی اسرائیل در کتاب داوران است.

اکنون دوباره به کتاب داوران می‌پردازیم که پس از کتاب یوشع آمده است.

اینجا در اسلاید پاورپوینت یکی از نقاشی‌های مورد علاقه‌ام را می‌بینیم که واقعاً اسرائیل باستان را به تصویر می‌کشد و خلاصه می‌کند. و اینجا جامعه‌ای از بنی اسرائیل را می‌بینید که در تاکستان به برداشت انگور مشغولند. اینجا برج دیده‌بانی هست که آنها مراقب محصولات، به خصوص در زمان برداشت، در روستایشان بودند.

البته، کشاورزی پلکانی که اینجا می‌بینید، و سپس غلات در دره وجود دارد. بنابراین، این واقعاً یک صحنه‌ی بسیار زیبای چوپانی از کشاورزان و نحوه‌ی قرارگیری زمین و توپوگرافی آن است. دوباره، این را کمی بیشتر باز خواهیم کرد.

این یک خانه چهار اتاقه اسرائیلی است، یک مسکن معمولی. بنابراین، این امر در قرن هشتم قبل از میلاد شاید در اسرائیل، شاید در یهودا در دوران صلح و رفاه، زمانی که آنها می‌توانستند روستاهای بدون دیوار داشته باشند و از تمرکز بر برداشت محصول لذت ببرند، نه محافظت از خود یا نگرانی در مورد مهاجمان خارجی. حال، وقتی در مورد اسکان اسرائیلی‌ها صحبت می‌کنید، این دوره، دوباره، دوره داوران است.

چندین اثر مهم وجود دارد. اینها آثار جدید و نه چندان جدید در مورد دوره داوران هستند. آوی فاوست نوعی رویکرد انسان‌شناختی به اسرائیل در زمان داوران دارد.

کتاب فوق‌العاده‌ای است. ویلیام جی. دیور کتابی نوشته است با عنوان «اسرائیلی‌های اولیه چه کسانی هستند؟ از کجا آمده‌اند؟» او دوباره از همان مدل ریشه‌های بومی پیروی می‌کند. کتاب اسرائیل فینکلشتاین در سال ۱۹۸۸ منتشر شد، زمانی که او هنوز مطالب خوبی می‌نوشت.

او در این زمان بیشتر طرفدار مهاجرت مسالمت‌آمیز بود. حالا، به گمان من، او هم مثل بقیه بومی است. در نهایت، لارنس استیجر فصل بسیار خوبی در مورد اسکان اسرائیلی‌ها با عنوان «جعل هویت» نوشت که به گمان من نام این فصل در دنیای کتاب مقدس است.

برخورد عالی استجر و خرید کتاب عالی بود. حالا، وقتی درباره مصر صحبت کردیم، درباره فرعون مرنپتاه و اهمیت نقش این فرعون نسبتاً کوچک در تاریخ کتاب مقدس صحبت کردیم، زیرا او یک لشکرکشی، می‌توان گفت یک حمله به کنعان، انجام داد و خوشبختانه احساس کرد که باید به این حمله افتخار کند و این بنای یادبود، سنگ یادبود، را بسازد، جایی که برای اولین بار از ملت یا مردم، باید بگویم، اسرائیل نام می‌برد. و علاوه بر آن، در ورودی معبد کارناک، یکی از دیوارهای معبد کارناک، او در واقع تمام سنگ یادبود خود را در مجموعه‌ای از نقش برجسته‌ها به تصویر می‌کشد.

و فرانک یورکو، دوباره، معتقد است که اینها، یا آنسون ریخی، معتقد است که این چهره‌های به تصویر کشیده شده در اینجا در واقع بنی اسرائیل باستان هستند. و دوباره، متن سنگ یادبود مرنپتاه، تقریباً ۱۲۰۵ قبل از میلاد، بنابراین درست در آغاز دوره داوران، زمانی که قبایل بنی اسرائیل در حال اسکان، ساختن روستاها و خانه‌ها و جوامع هستند، او، به نوعی تمام این شهرهایی را که غارت و ویران و غارت کرده است، کنار می‌گذارد سپس به اسرائیل می‌رسد، که باز هم، تعیین‌کننده وجود یک قوم است، نه یک ملت یا یک سرزمین، بلکه یک قوم.

اسرائیل ویران شده است، اما نسل او نه. و باز هم، در اینجا اغراق وجود دارد، نه این واقعیت که او محصولی را خراب کرد یا توانایی تولید مثل آنها را قطع کرد. او در اینجا صرفاً از اغراق استفاده می‌کند. احتمالاً فقط چند کشاورز اسرائیلی را با ارابه‌هایش زیر گرفته است و غیره.

اما او این را در این سنگ یادبود تقویت کرد. چیزی که تقریباً یک پاورقی است، اکنون بسیار مهم می‌شود زیرا اسرائیل، حتی منتقدترین محققان، باید تشخیص دهند که اسرائیل در سال ۱۲۰۵ قبل از میلاد به عنوان یک قوم در کنعان وجود داشته است. اکنون، آنها هنوز هم این را می‌گویند؛ آنها آن را اسرائیل اولیه می‌نامند و از انواع حرکات نمایشی برای کوچک جلوه دادن این موضوع استفاده می‌کنند.

اما این هست، این نیست، این هست، هیچ کاری نمی‌شود کرد. آنها باید منطقاً این واقعیت را بپذیرند که اسرائیل به عنوان یک ملت وجود داشته است. بنابراین، این بسیار مهم است.

و دوباره، ما در مورد این واقعیت صحبت کردیم که مرنپتاه ممکن است به دلیل نام این مکان، در سرزمین مقدس و شاید حتی در اورشلیم، پادگان‌هایی داشته باشد. در یوشع، آب‌های نفتا، شاید به معنای مرنپتاه، بوده است. بسیار خوب، آب‌های نفتا، این ممکن است در طول ایجاد این سند در یوشع تغییر کرده باشد، اما مرنپتاه ممکن است بخشی از آن، آن، آن متن، آب‌های نفتا، در غرب اورشلیم باشد.

،حالا، ما قبلاً در مورد سفالگری صحبت کردیم، اما سفالگری دوباره برخی از شناسه‌های قومی را دارد. و این دوباره، در اواخر تاریخ کتاب مقدس در عصر آهن اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اما حتی در این دوره اولیه، سال‌ها، کوزه لبه یقه‌ای سال‌ها وجود داشته است. چرا به آن کوزه لبه یقه‌ای می‌گویند؟ خب، اینجا، در بالا، نزدیک لبه، شبیه یک یقه روحانی است.

آلبرایت این نام را از روی سفال‌هایی که او در حفاری‌ها کشف کرد، به گمانم در تل بت-میرسیم، انتخاب کرد با این حال، این سفال‌ها به عنوان اشکال متمایز بنی اسرائیلی که بنی اسرائیل به کنعان آورده بودند، شناسایی شدند. خب، تحقیقات بیشتر در طول دهه‌ها از زمانی که آلبرایت از این نام استفاده کرد، مشخص کرده است که بسیاری از این سفال‌ها در مکان‌های بنی اسرائیلی یافت می‌شوند، اما نه منحصراً.

در مکان‌های کنعانی و دیگر مکان‌های غیراسرائیلی از کوزه‌های لبه‌دار استفاده می‌شود. انواع مختلفی از این کوزه‌ها وجود دارد. نوع لبه‌دار آن که شکل شمالی آن است و در دان یافت شده، نوع لبه‌دار بلند آن است.

و ما همین الان در دانشگاه اندروز دانشجویی داشتیم که رساله دکتری خود را در مورد همین، دقیقاً همین شکل، که در اردن زیاد پیدا می‌کنیم، انجام داد. بنابراین، باز هم، می‌توان از شناسه‌های قومی استفاده کرد، اما نه، شما نمی‌توانید منحصراً از این برای شناسایی یک سایت به عنوان اسرائیلی وقتی که این‌ها را پیدا می‌کنید استفاده کنید، اما آنها به طور گسترده توسط بنی اسرائیل مورد استفاده قرار می‌گرفتند. و باز هم، برای اشاره به این واقعیت که سفالگری بنی اسرائیل از برخی جهات با سفالگری کنعانی متمایز بود، اما بسیار بسیار ابتدایی، ضخیم، سنگین، دست و پا گیر، بدون نقاشی، بدون طراحی و بدون هیچ گونه تزئینی بود.

این یک هدف را دنبال می‌کرد، و کاربردی بود، و تمام. بنابراین با گذشت زمان، و ما در طول سلطنت سلیمان و پس از آن خواهیم دید، سفالگری، سفالگری بنی اسرائیل بسیار زیبا، هنری و دوست‌داشتنی می‌شود. در اینجا، خیلی اینطور نیست.

سفال قشنگیه، اما به نوع خیلی ابتدایی از لفاف قهوه‌ای ساده یا خیلی خیلی ساده‌ست، اما کارش رو انجام می‌ده. اینها شکل‌های مختلف قابلمه‌های پخت و پز از اون دوره تو اسرائیل، اوایل سکونت اسرائیلی‌ها هستن. خوب، ما تو اون نقاشی از برداشت انگور اسرائیلی‌ها، به تصویر یا به تصویر از به خونه چهار اتاقه دیدیم.

این یک اثر هنری دیگر از یک خانه چهار اتاقه، یک نوع مسکن رایج در اسرائیل است. و ما اینها را در اردن داریم. یک خانه چهار اتاقه اساساً یک سازه Ironwood سایت‌هایمان در اردن، در سایت‌های مستطیل شکل است که ورودی آن در جلو و یک اتاق عریض در پشت آن قرار دارد.

و آن اتاق پهن می‌تواند جداکننده داشته باشد، که آن را به چندین اتاق تبدیل می‌کند، اما اینجا یک در دارد. و اینجا یا یک یا چند اتاق است، که یک اتاق محسوب می‌شود. سپس سه اتاق دارد، یک، دو، سه، که رو به ورودی هستند.

این اتاق‌ها می‌توانند جداگانه دیوارکشی شوند یا می‌توانند صرفاً ستون‌هایی برای مشخص کردن اندازه‌شان و Iron One داشته باشند. و به این می‌گویند خانه چهار اتاقه اسرائیلی. باز هم، بیشتر سایت‌های اسرائیلی Iron Two این سبک خانه را دارند.

و دلایل مختلفی برای آن وجود دارد. معمولاً این دلایل عبارتند از: این مکان برای پخت و پز یا مراقبت از حیوانات است. حیوانات برای امنیت بیشتر در شب به داخل خانه آورده می‌شوند.

و این پشت اینجا ممکن است برای انبار باشد. پشت بام در زمستان، یا شاید یک خانه دو طبقه مثل اینجا برای محل زندگی یا خواب استفاده می‌شود، قطعاً در شب‌های تابستان که هوا گرم است. و به خاطر قوانین مربوط به حیوانات و از این قبیل چیزها، آدم دلش نمی‌خواهد با حیوانات بخوابد.

بنابراین، این، دوباره، به این شکل یک کارکرد داشته است. همچنین یک کارکرد دفاعی نیز داشته است زیرا اتاق پشتی شما می‌توانست به عنوان سنگر عمل کند. در بسیاری از موارد، به عنوان سنگر عمل می‌کرد زیرا این‌ها به خانه‌های دیگر متصل می‌شدند و در واقع یک دیوار پیرامونی، دیوار سنگری در اطراف یک آبادی، شهر یا مزرعه تشکیل می‌دادند.

بنابراین دوباره، می‌توانید انواع زیادی را ببینید، و این یکی تعدادی، چند مخزن یا گودال دارد که حفاری شده‌اند، که حفاری شده‌اند، اما انواع بسیار متفاوتی دارند. اما اساساً، یک خانه چهار اتاقه یک اتاق پهن در پشت و سه اتاق موازی در جلو است. خانه چهار اتاقه بزرگی که تا حدی در محل ایسبت بازسازی شده است سارتا

این اپنر کتاب مقدس است. و من از محل بازدید کردم و متأسفانه، الان دیگر آن شکل سابق را ندارد. در وضعیت بدی قرار دارد.

امیدوارم که آن را دوباره تعمیر کرده باشند. اما اینجا یک ورودی فرعی دارید، می‌توانید ستون‌هایی را اینجا ببینید. بنابراین یک اتاق، دو اتاق، سه اتاق، این تا حدی دیوار دارد.

و بعد اتاق پهن شما در پشت خانه. اینجا خانه بسیار بزرگی است، احتمالاً برای کدخدای روستا یا مختار، یا هر اسم دیگری که می‌خواهید روی نخبگانی که در زمان اسکان اسرائیلی‌ها در ابنزر زندگی می‌کردند بگذارید. ابنزر یا ایسبت سارتا مکانی فوق‌العاده برای بازدید است.

الان همه چیز آنجا ساخته شده است. اما شما در محل ایزبت ایستاده‌اید به سمت غرب نگاه کنید و دشت ساحلی پرآبی را درست در اطراف سرچشمه رودخانه یارکون، راسا عین، می‌بینید.

و آنجا جایی بود که فلسطینیان بودند. و در اطراف منطقه ایسبت سارتا تپه‌ای، ناهموار و صخره‌ای است. و به آن اسرائیلی‌هایی فکر کنید که سعی می‌کنند در این زمین بسیار صعب‌العبور، صخره‌ای و کوهستانی، امرار معاش کنند.

و آنها می‌توانند فقط یک مایل دورتر را نگاه کنند. فقط زمین‌های زیبا و پرآب، زمین‌های کشاورزی که فلسطینی‌ها کنترل می‌کردند. و می‌توانید تصور آنها از دارا و ندار را که حتماً در ذهنشان شکل داده‌اند، درک کنید، کاش من هم به جای وضعیت سختی که در آن هستم، چنین زمینی برای کشاورزی داشتم.

خب، ما در مورد اتاق‌های پهن پشتی خانه‌ها که به عنوان دیوار محافظ عمل می‌کردند صحبت کردیم. اینجا دیوار بیرونی یک شهرک اسرائیلی است که یک دیوار محافظ است. و خانه‌ها دوباره به این دیوار متصل می‌شوند.

این دوباره یک بازسازی است. من معتقدم که این یا بئرشبع، یک لایه اولیه از بئرشبع، یا شاید یک میله است. ما هنگام بررسی اسلایدهای منطقه تپه مرکزی، به تراس‌بندی اشاره کردیم.

این هم چند نمونه‌ی دیگر از تراس‌بندی. باز هم، بعضی از اینها هنوز استفاده می‌شوند. اینها هنوز اینجا استفاده می‌شوند، احتمالاً توسط کشاورزان فلسطینی.

برخی دیگر در طول قرن‌ها رو به ویرانی رفتند. اما ایده دوباره این است که آب، آب، بارانی که بر دامنه تپه می‌بارد و از طریق تراس‌ها به پایین نفوذ می‌کند و همه این خانه‌ها را آبیاری می‌کند. این نمونه‌ای از یک خانه تراس‌دار است.

این نمونه‌ای از یک خانه‌ی پلکانی است. و اطلاعات بیشتری در مورد غذاخوری بنی اسرائیل وجود دارد. بسیار خب، حالا به بررسی تاریخی بودن کتاب داوران می‌پردازیم.

و ما اینجا نوعی جدول زمانی می‌بینیم. یک دوره بسیار اولیه از فتح و سکونت واقعی. و سپس به عصر آهن ۱ و ۲. که دوره زمانی وقایع کتاب داوران را پوشش می‌دهد.

همانطور که می‌دانیم، دوره داوران، که در تمام کلاس‌های مقدماتی عهد عتیق تدریس می‌شود، یک دوره، یک دوره الهیاتی، وجود داشت که در آن اسرائیل دوباره در صلح بود، همه چیز خوب بود، اسرائیل گناه کرد، و سپس خدا اسرائیل را مجازات کرد، و اسرائیل توبه کرد و فریاد زد، یک داور یا رهبر کاریزماتیک توسط خدا برانگیخته شد، و اسرائیل نجات یافت. و این دوره همچنان ادامه دارد و بدتر و بدتر می‌شود. از بسیاری جهات، کتاب داوران کتابی بسیار افسرده‌کننده است زیرا در نهایت، یک جنگ داخلی رخ می‌دهد.

آنها به جای نوعی تهدید خارجی، با یکدیگر می‌جنگند. این نقشه‌ای است که منطقه‌ی عمومی را نشان می‌دهد که تمام داوران اصلی در آن کار خود را انجام می‌دادند، رهبری خود را انجام می‌دادند. بسیار خب، بیابید به کتاب داوران به عنوان یک منبع تاریخی نگاه کنیم.

داوران ۱ به عنوان نوعی گزارش نظامی تحلیلی شناخته می‌شود که رویدادها را از نظر جغرافیایی مرتب می‌کند و به نوعی دوره‌های طولانی را در بازه‌های زمانی کوتاه خلاصه می‌کند. این یک گزارش خلاصه از لشکرکشی‌های نظامی است که دوره‌های صلح را گرامی می‌دارد و با پادشاهان معاصر آشوری، تیگلات-پیلسر، اولین پادشاه آشور، شباهت‌هایی دارد، که نوعی ارتباط جالب در آنجا ایجاد می‌کند. و به نظر می‌رسد شباهت زبان با دوره اوایل عصر آهن مطابقت دارد.

در کتاب داوران، برخلاف سایر روایات، لاف زدن به جای شکایت از شکست‌ها، روایتی ضد فتوحات است. این یک تبلیغ سیاسی نیست. در واقع، نحوه عمل و رفتار آنها برای قوم اسرائیل بسیار شرم‌آور است.

بنابراین، این هیچ نوع روایت خودپسندانه‌ای نیست. بلکه بسیار، بسیار هوشیارکننده است. و این، باز هم، در خاور نزدیک باستان بی‌نظیر است.

همه روایت‌ها، روایت‌های تاریخی، همیشه خوب هستند، نه قضاوت‌آمیز. بسیار خوب، پس دوباره نکاتی در مورد فصل‌های اولیه کتاب داوران داریم. بنی اسرائیل از خداوند می‌پرسند.

باز هم، همسایگان آنها قبل از درگیری‌های نظامی با خدایان خود مشورت می‌کردند. همانطور که قبلاً در مورد مردم کنعان صحبت کردیم، از آنها نام برده شده است. در کتاب داوران از آراد و حرمه به عنوان دو مکان در صحرای نقب یاد شده است.

و البته، سرزمینی که فتح نشده باقی مانده بود. در کتاب یوشع، به نظر می‌رسد که موفقیت پشت موفقیت وجود دارد. اما در کتاب داوران، اشاره می‌شود که بخش زیادی از سرزمین فتح نشده بود.

دشت ساحلی و دره‌هایی که کنعانیان در آنها قوی بودند، در دست کنعانیان باقی ماند. و سپس ارث زمین، که به زبان عبری «نهلوت» نامیده می‌شود، وجود دارد. این زمینی است که توسط خدا به یک قبیله، خانواده یا طایفه داده شده است.

ما دوباره می‌بینیم که این موارد در روایت‌های بعدی، روایت‌های بعدی کتاب مقدس، منعکس شده‌اند. نساء آزمایشی که خدا از اسرائیل می‌گیرد، آزمایشی برای وفاداری و ایمان به اوست. بنابراین، همه اینها نکات الهیاتی در کتاب داوران هستند.

حال، ما روایت جالبی در داوران ۱: ۱-۲۰ داریم. فتحی در بخش جنوبی یهودا رخ داد، جایی که بعدها به قلمرو، قبیله‌ای یهودا تبدیل شد. این فتح و اشغال شهری کنعانی به نام دبیر یا قریه سفیر، روستای کتاب یا طومار است.

این نیز، یک سرزمین کوهستانی در جنوب حبرون بود. کالب، مانند یوشع و کالب، یکی از دوازده جاسوس دخترش عکسه را به مردی که دبیر را فتح کرد، پیشنهاد داد. و عتئیل، اولین داور، شهر را تصرف کرد و آن زمین و دختر به او داده شد.

و دبیر بعدها به شهری لای تبدیل شد و به راه خود ادامه داد. حالا، دبیر کجاست؟ خب، اول از همه، ویلیام فاکسول آلبرایت مکانی را در غرب تپه، در غرب الخلیل، به نام تل بیت-میرسیم، کاوش کرد. ما چند عکس از آن را در اسلایدشو قبلی دیدیم.

و او استدلال می‌کرد، و تمام عمرش را با قاطعیت استدلال می‌کرد که تل بیت-میرسیم همان دبیر کتاب مقدس است. و به نظر می‌رسید که او این را باور دارد زیرا تاریخچه شغلی با تاریخ کتاب مقدس، دبیر متن کتاب مقدس، مطابقت دارد. حالا، محققان آلبرایت را زیر سوال می‌برند زیرا تل بیت-میرسیم خیلی از غرب دور است.

این در شغله، شرق شغله است، نه در منطقه کوهستانی. و متن کتاب مقدس در کتاب داوران به طور خاص می‌گوید، در منطقه کوهستانی یهودا. و بنابراین، محقق آلمانی، کورت گولینگ، مکانی را در جنوب هبرون به نام خیریت ربود پیدا کرد.

او آن مکان را بررسی کرد و اظهار داشت که خیریت ربود بیشتر دبیر است، نه تل بیت-میرسیم. ما باید درک کنیم که آلبرایت از اعتبار فوق‌العاده‌ای برخوردار بود و مخالفت با آلبرایت به معنای به دست گرفتن زندگی‌تان بود، به اصطلاح، از نظر آکادمیک، زیرا او یک شخصیت غول‌پیکر قدرتمند بود. اما شخصیت‌های غول‌پیکری مانند آلبرایت، هر چقدر هم که خوب بودند، می‌توانند اشتباه کنند.

، و آلبرایت در این مرحله اشتباه می‌کرد. حالا، در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میلادی، موشه کوچاوی محقق و باستان‌شناس اسرائیلی، خیریت ربود را کاوش کرد، دو چشمه، همان چشمه‌هایی که در کتاب داوران ذکر شده بود، کشف کرد و تاریخچه‌ای از سکونتگاه‌های آن را شناسایی کرد که با دبیر مطابقت داشت. و به این ترتیب خیریت ربود شد، همانطور که اکثر محققان در آن زمان آن را به عنوان دبیر پذیرفتند، نه تل بیت-میرسیم.

اما آلبرایت، قبل از مرگش، در رديه ای نوشت: من هنوز معتقدم تل بیت-میرسیم همان خیریت یا بهتر بگویم دبیر است. اما اکنون، به طور گسترده پذیرفته شده است که کوچاوی و قبل از او کورت گولینگ درست می‌گفتند. بنابراین، ای چهره‌های معتبر باستان‌شناسی، مراقب باشید.

درست مثل همه ما، ما هم می‌توانیم اشتباه کنیم و اشتباه کنیم. حتی آلبرایت هم اشتباه کرد. حالا، داور بعدی، شخصی بسیار سرشناس به نام ایهود، از خاندان بنیامین، توسط خدا برانگیخته شد تا بنی اسرائیل را از دست موآبیان نجات دهد.

در این برهه از تاریخ اسرائیل، ضمناً، این سفالگری اواخر برنز و اوایل عصر آهن زیباست. اکنون پادشاه بسیار، بسیار تنومندی از موآب بود. و او در اریحا، نه لزوماً در تل، بلکه در مجاورت محل اریحا، نزدیک چشمه مغازه‌ای برپا کرده بود و در آنجا کاخی داشت.

و او بنی اسرائیل را سرکوب می‌کرد. و بنابراین، ایهود توسط خدا مأمور شد تا بنی اسرائیل را نجات دهد. و بنابراین، او توانست از نگهبانان عبور کند و شخصاً با عجلون ملاقات کند.

چون چپ دست بود، شمشیر در سمت راست او قرار داشت. و او و عجلون تنها بودند. و او با شمشیر به عجلون ضربه زد.

عجلون آنقدر چاق بود که نمی‌توانست شمشیر را بیرون بیاورد. چین‌های چربی پوست عجلون مانع از این کار می‌شد. و ایهود فرار کرد و بنی اسرائیل را به پیروزی بر موآبیان رساند.

باز هم، موآب به مدت ۱۸ سال به اسرائیل ظلم کرد. این سنگ یادبود بالوا است که در محل بالوا در فلات کرک شمالی، در حوالی، فکر می‌کنم در دهه ۱۹۳۰، پیدا شد. اکنون در موزه ملی اردن است.

احتمالاً به زمان عجلون برمی‌گردد. اما نمی‌توانیم عجلون را به این موضوع ربط دهیم. به طور خاص از اریحا نام برده نشده است.

به دلیل نام شهر نخل‌ها، ممکن است تمار بوده باشد. اما اکثر مردم معتقدند که اریحا بوده است. ما به سادگی نمی‌دانیم.

اما به هر حال، کاخی در اریحا کشف شد که به نظر می‌رسید کاخ عجلون باشد. توصیف کاخ در کتاب داوران ظاهراً روشن می‌کند که این یک کاخ بیت حلانی بوده است. این نیز طرحی کلی از یک کاخ بیت حلانی معمولی است. از تل طینات در ترکیه است.

و سپس قفل در خانه‌ی آگلون اینجا بازسازی شده است. حالا، یک مقاله‌ی عالی در مورد این ماجرا توسط باروخ هالپرین وجود دارد، و من فکر می‌کنم مجله‌ی «مرور کتاب مقدس» باشد. و متن عبری اینجا به نظر می‌رسد که به آن فکر بسیار بسیار خام و زنده اشاره دارد، اما ایهود از اتاق پادشاه فرار کرد.

او از در بیرون نرفت چون مأموران و خدمتکاران پادشاه آنجا بودند. او در واقع از طریق توالی فرار کرد، از طریق توالی پایین آمد و از آن طریق از کاخ خارج شد. بنابراین، این یک روایت بسیار زمینی از مرگ عجلون و فرار ایهود از آن کاخ است.

چند عکس از آن زمان یا تصاویری که دوران دبور و باراک را در داوران ۴ و ۵ به تصویر می‌کشند. اینجا دوباره کوه تابور و دره جزریل است. تصاویر زیبایی آنجاست. باز هم، کلی تاریخ

ما همچنین تصویر قبلی از بهار هیروودیس را دیدیم که دوباره انتخاب ارتش جدعون را در زمان داوری او به تصویر می‌کشد. این تپه موره است و اردوگاه مدیان در دره اینجا قرار داشته است. ارتش جدعون آن را محاصره کرده، کوزه‌هایشان را شکسته و سپس همان شب که مدیان را از آن دره بیرون راندند، حمله کرده است.

بنابراین این فقط یک نوع دو دیدگاه زیبا از دو رویداد کتاب مقدس از دوره داوران ارائه می‌دهد. حالا، به دشمن اصلی اسرائیل می‌پردازیم، و آن مردمان دریا بودند. مردمان دریا گروهی از پنج قوم متمایز از جهان اژه بودند، نه لزوماً از یک مکان، اما از جهان اژه، که در سال‌های اولیه قرن دوازدهم به سواحل شرقی مدیترانه حمله کردند.

این یک تصویر مصری از یک فلسطینی با سریند پرداز از مدینت هابو است. و این، باز هم، تصویر یک هنرمند از آنچه آنها می‌توانستند به نظر برسند است. حال، معبد آرامگاه رامسس سوم، پادشاه سلسله بیستم، به گمان من، سلسله بیستم، یک منبع تاریخی فوق‌العاده، فوق‌العاده برای مردمان دریا است زیرا بر روی دیوارهای این معبد آرامگاه، نبردی دریایی و زمینی بین رامسس سوم و ارتش مصر و مردمان دریا که دوباره از طریق کشتی و خشکی به مصر حمله می‌کنند، به تصویر کشیده شده است.

مصری‌ها توانستند مردمان دریا را نگه دارند و از مصر بیرون کنند، اما این نبرد باید بسیار خونین بوده باشد زیرا به نظر می‌رسید که کمر قدرت مصر را شکست. و مصر پس از این نبرد دیگر هرگز مثل قبل نشد. در اینجا چند تصویر هنری از آنچه که می‌توانست به نظر برسد، آورده شده است.

سریازان مصری در حال نبرد با مردمان دریا هنگام رسیدن با قایق‌هایشان. و همه اینها به تصویر کشیده شده است، و پنج قوم با لباس‌های متمایز و متمایز بر روی دیوارهای معبد مردگان در مدینت هابو به تصویر

کشیده شده‌اند. اکنون، یکی از مشهورترین روایت‌های کتاب داوران که به فلسطینیان می‌پردازد، روایت سامسون است.

در فصل‌های ۱۳ تا ۱۶، امیدواریم که بتوانیم لبخند را بر لبان شما بیاوریم، تصویری هالیوودی از سامسون در دهه ۱۹۴۰، ۱۹۴۹. هدی لامار و ویکتور میچر نقش‌های اصلی سامسون و دلیله را بازی می‌کنند. متوجه می‌شوید که زبان اینجا انگلیسی نیست.

در واقع این یک نسخه آلمانی است. سامسون و دلیله. این اسم مناسبی است چون به گمانم هدی لامار اتریشی بوده است.

اما آن، باز هم، تلاش اولیه هالیوود برای ساختن یک فیلم پرفروش از یک داستان کتاب مقدس بود. ما قبلاً در مورد معبد فلسطینیان در تل قصبه یا شهرک فلسطینیان تل قصبه، یکی از کاوش‌های اولیه مدرن اسرائیل، صحبت کردیم. من می‌خواهم در اینجا به نکته‌ای اشاره کنم، و این نوعی نمونه از چیزی است که باستان‌شناسی می‌تواند به ما در درک آن کمک کند، و آن این است که تا به امروز، واقعاً یک معبد فلسطینی دیگر وجود دارد که ظاهراً در تل اس-صافی پیدا شده است، بخش‌هایی از یک معبد فلسطینیان

فکر نمی‌کنم هنوز به خوبی منتشر شده باشد. شاید در این مورد اشتباه می‌کنم، اما این یک معبد فلسطینی کاملاً کاوش شده است، کوچک است زیرا این یکی از پایتخت‌های فلسطینی نیست، بلکه یک سکونتگاه فلسطینی کوچک‌تر است، اما همچنان یک معبد فلسطینی است. ویژگی اصلی این معبد این است که سقف توسط دو ستون که تقریباً به اندازه یک بازو از هم فاصله دارند، نگه داشته شده است و آنها اینجا هستند.

و اگر به آن فکر کنید و به زندگی سامسون فکر کنید، فوراً متوجه می‌شوید که سامسون معبد غزه را ویران کرد، تمام فلسطینیان و خودش را در داخل آن معبد کشت، و شما همان نوع سازه را اینجا دارید، فقط در مقیاس بسیار کوچک‌تر، در این شهر کوچک فلسطینی. ما نام آن را نمی‌دانیم. نام مدرن آن تل القاسیل است، اما جالب است بدانید که معماری معابد در یک تمدن خاص یا گروه قومی خاص معمولاً یکسان است، بنابراین معابد غزه و دیگر مراکز اصلی فلسطینیان احتمالاً دو ستون اصلی داشته‌اند که سقف را نگه می‌داشته‌اند.

بنابراین، آیا این دوباره ثابت می‌کند که داستان سامسون درست است؟ نه، اما مطمئناً داستان سامسون را در یک زمینه آهنین وان در طول زندگی واقعی او قرار می‌دهد، که بسیار بسیار مهم است. باز هم، فهرستی از داوران و مناطقی که در زمان کتاب داوران، دوره آهنین وان، در آنها فعال بودند. می‌توانید قبایل بنی اسرائیل را در دو طرف اردن و سپس نام داورانی که در فعالیت‌های آنها شرکت داشتند، ببینید.

من دکتر جفری هادون و آموزه‌های او در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس هستم. این جلسه ۱۴، اسکان بنی اسرائیل در کتاب داوران است.